

به این ترتیب ۹۱ درصد کارکنان دولت زیر لیسانس و حدود ۹ درصد آنها لیسانس و بالاتر بوده‌اند.^(۶۴) نکته قابل توجه اینکه در این سال یک کارمند دولت با مدرک تحصیل لیسانس، با سابقه ۱۰ سال، حقوقی معادل حداکثر نصف متوسط هزینه‌های یک خانوار شهری را دریافت می‌داشته است. یعنی ۹۹ درصد کارکنان دولت زیر خطر فقر بوده‌اند. (آنها با فاصله بسیار عمیق).

در چنین بستر و زمینه‌ای اختلاس و ارتشاء و جعل جوانه زده و رشد خواهد کرد. بطوریکه طی ۷ سال (۶۳-۶۹) در دادگاههای مختلف جمهوری اسلامی ۳۳۹۰۰۰ پرونده اختلاس، ارتشاء و جعل مورد رسیدگی قرار گرفته است.^(۶۵) بر آگاهان پوشیده نیست که موارد «وقوع» بیش از موارد «مکشوف» است.

براساس محاسبات دکتر حسین عظیمی در سال ۱۳۶۵ حدود ۲۲ میلیون نفر از جمعیت ۵۰ میلیونی ایران، براساس شاخص‌های مسکن و تغذیه، گرفتار فقر شدید و گسترده بوده‌اند.^(۶۶)

در همین سال کارکنان دولت در وزارتخانه‌ها و مؤسسات مشمول و غیرمشمول قانون استخدام کشوری (بجز وزارت اطلاعات، وزارت دفاع، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزارت نفت، نیروهای انتظامی، شهرداریها و نهادهای انقلاب اسلامی) برابر با ۱/۴۹۲/۸۲۲ نفر بوده است.^(۶۳)

توزیع مدرک تحصیلی کارکنان رسمی مؤسسات مشمول قانون استخدام کشوری در سال ۱۳۶۸ بدین ترتیب بوده است.

- کمتر از دیپلم ۲۴/۹٪
- دیپلم ۴۸/۴٪
- فوق دیپلم ۱۷/۴٪
- لیسانس ۸/۲٪
- فوق لیسانس و دکترا ۰/۶٪
- اظهار نشده ۰/۵٪

حجم فقر در ایران براساس شاخصهای مختلف در سال ۱۳۶۵

شرح	حجم فقر
الف: شاخصهای مسکن	
تعداد خانوارهایی که در سال ۱۳۶۵ فقط در یک فضا زندگی می‌کرده‌اند	۱/۷۰ میلیون خانوار
اندازه متوسط خانوارهایی که در سال ۱۳۶۵ فقط در یک فضا زندگی می‌کرده‌اند	۳/۸۳ نفر
کل جمعیتی که در سال ۱۳۶۵ فقط در یک فضا زندگی می‌کرده‌اند	۶/۶ میلیون نفر
تعداد خانوارهایی که در سال ۱۳۶۵ فقط در دو فضا زندگی می‌کرده‌اند	۲/۹ میلیون خانوار
اندازه متوسط خانوارهایی که در سال ۱۳۶۵ فقط در دو فضا زندگی می‌کرده‌اند	۴/۹۸ نفر
کل جمعیتی که در سال ۱۳۶۵ فقط در دو فضا زندگی می‌کرده‌اند	۱۴/۵ میلیون خانوار
کل خانوارهای شدیداً آسیب پذیر براساس شاخص مسکن	۴/۶ میلیون خانوار
کل جمعیت شدیداً آسیب پذیر براساس شاخص مسکن	۲۱/۱ میلیون نفر
ب: شاخص تغذیه	
کل جمعیتی که هزینه سرانه غذایی آن کمتر از ۱۷۰ ریال در روز است (شهرها)	۱۰/۶ میلیون نفر
کل جمعیتی که هزینه سرانه غذایی آن کمتر از ۱۷۰ ریال در روز است (روستاها)	۱۲/۱ میلیون نفر
کل جمعیت شدیداً آسیب پذیر براساس شاخص تغذیه	۲۲/۷ میلیون نفر

۶-۸- تولید مواد غذایی:

یکی از اهداف انقلاب اسلامی رسیدن به استقلال در بخش کشاورزی بود. این شعار بعدها به خودکفائی و خود اتکائی تنزل یافت. و بنظر می‌رسد که نه تنها چنان مقصودی حاصل نشده است بلکه بخش

کشاورزی وابستگی بیشتری به خارج یافته است. به عنوان نمونه تولید گندم پس از ۱۴ سال (۵۶-۷۰) فقط ۳/۲۹۲ تن اضافه تولید داشته است. اما اگر تولید سرانه را در نظرگیریم متأسفانه با افت تولید مواجه خواهیم شد. (۱۳۷۰=۱۵۱ و ۱۳۶۵=۱۲۷ و ۱۳۵۶=۱۵۷)

تولید گندم (تن)

سال	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱
تولید گندم	۵/۵۰۰	۵/۵۲۶	۵/۹۴۶	۵/۷۴۴	۶/۶۱۰	۶/۶۶۰	۶/۰۴۲	۵/۹۵۹	۶/۶۳۱	۶/۳۰۴	۷/۵۵۶	۷/۲۶۵	۶/۲۵۷	۸/۰۱۱	۸/۷۹۲	۱۰/۳۵۹

* منبع: گزارش اقتصادی ترازنامه سال‌های ۵۷-۶۸ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

* منبع: سال ۶۹ و ۷۰، آمار نامه کشاورزی سال ۷۰ وزارت کشاورزی، ص ۶

* منبع: سال ۷۱، روزنامه رسالت، ۱۰/۳/۷۲، ص ۶

لذا طی همین مدت واردات گندم از خارج از رشدی فزاینده برخوردار بوده است تا تنزل تولید سرانه داخلی را جبران نماید.

واردات گندم (تن)

سال	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸
گندم	۹۵۸	۱/۷۴۷	۱/۹۴۵	۱/۵۴۹	۳/۰۳۱	۳/۱۶۹	۲/۱۳۷	۲/۸۶۰	۳۷۰۰	۳/۴۲۳	۴/۷۸۰

میلیون تن به آمار تولید گندم کشور افزود.

۶-۹- سرقت: یکی از مسایل اجتماعی ایران امروز مسئله دزدی است. که از روند رو به تزایدی برخوردار است. تا جائی که در سال ۱۳۶۹ در کلیه دادگاههای جمهوری اسلامی ایران ۱۱۳۸۴۴ پرونده سرقت مورد بررسی قرار گرفته است.

طی همین دوره (۶۸-۵۸) بیش از ۲۰ میلیارد دلار صرف واردات مواد غذایی و حیوانات زنده شده است. حال آنکه با هر یک میلیارد دلار، طبق محاسبات کارشناسانه، می‌توان و می‌باید که حداقل ۲۰۰ هزار هکتار از اراضی بایر را به اراضی مزروعی مبدل کرد، و با زراعت در هر ۲۰۰ هزار هکتار، ضمن ایجاد اشتغال مولد، می‌توان و باید که یک

سال	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹
تعداد پرونده سرقت	۶۸۵۰۵	۷۷۸۸۸	۹۳۰۳۳	۹۶۰۲۴	۹۹۰۰۵	۱۱۰۳۲۰	۱۱۳۸۴۴

* منبع: سالنامه آماری سال ۶۹ و ۶۵

در مغرب زمین وجود ندارد، همین موارد هم باید حداقل برای فقها «مساله اجتماعی» تلقی گردد. البته شایان ذکر است که طی سال گذشته موارد خودکشی سیر صعودی یافته و تنها در استان گیلان طی سال گذشته ۷۶ مورد خودکشی صورت گرفته است که اکثریت آنان را جوانان تشکیل می‌دهند (سلام، ۷۱/۱/۹، ص ۲). آمار مربوط به موارد خودکشی در حوزه استحقاظی شهربانیهای کشور به قرار زیر است:

۶-۱۰- خودکشی: شاید در نگاه اول نتوان خودکشی در ایران را به عنوان یک مساله اجتماعی تلقی نمود. چرا که تعداد خودکشی زیاد نبود. و به لحاظ آماری «نرم» خاصی برای جامعه ما تعیین نگردیده است تا بتوان قضاوت نمود که آیا از آن نرم فراتر رفته‌ایم یا نه. اما با توجه به اینکه از یکطرف آمار رسمی موارد خودکشی متعلق به حوزه استحقاظی شهربانیهای کل کشور است و حوزه استحقاظی ژاندارمری و روستاها را در بر نمی‌گیرد و از طرف دیگر بر خورد شدید اسلام با پدیده خودکشی که آنرا حرام دانسته و عواقب اخروی برای آن قائل است، (چنین تلقی

سال	۱۳۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹
تعداد خودکشی	۱۵۶	۲۰۰	۲۷۰	۲۹۹	۳۷۹	۴۸۴	۴۰۳	۴۳۹	۳۹۴	۲۴۴

* سالنامه آماری کشور، سالهای ۷۰-۶۰ آمار سال ۶۹ مربوط به ۹ ماه اول آن سال است.

است. اما بخاطر اینکه یک پرونده ممکن از دادگاهی به دادگاه دیگر ارجاع شود و یا اینکه یک پرونده لزوماً به معنای یک قتل نباشد نمی‌توان به این آمارها استناد نمود.
راه دیگر این است که به آمار تعداد زندانیان محکوم و متهم به قتل مراجعه نماییم. تعداد زندانیان محکوم و متهم به قتل طی سالهای ۶۰، ۶۲، ۶۴ و ۶۶ به قرار ذیل است.

مورد/سال	۱۳۶۰	۱۳۶۲	۱۳۶۴	۱۳۶۶
متهم	۱۷۶۴	۲۱۲۲	۲۱۰۱	۱۹۹۲
محکوم	۲۲۷۹	۲۱۵۱	۱۳۲۹	۹۷۷
جمع	۴۰۴۳	۴۲۷۳	۳۴۳۰	۲۹۶۹

* منبع: عباس عیدی، مسایل اجتماعی قتل در ایران.

جهاد دانشگاهی ص ۵۰

سال ۱۳۶۵ به طور غیررسمی از رقم سه میلیون نفر سخن به میان آمده است^(۶۷). در همین اثر آمده است که: «مجله دراگ آنفورسمنت در شماره تابستان ۱۹۸۱ خود از یک میلیون معتاد سخن می‌گوید» در ادامه می‌بینیم که «ترباخ تا حدودی غیرمسئولانه و مبهم رقم سه میلیون نفر را اعلام می‌دارد»^(۶۸).
تنها آمار رسمی در این باره مربوط به کشف مواد مخدر توسط نیروهای انتظامی است.

۱۱-۶- قتل عمد یکی دیگر از مسایل اجتماعی جامعه ما است. در این مورد با توجه به اینکه در سالنامه‌های آماری پرونده‌های مورد بررسی به تفکیک دادگاه (عمومی حقوقی دو مستقل، عمومی کیفری یک، عمومی کیفری دو، عمومی کیفری) اعلام شده است نمی‌توان قضاوت دقیقی اعلام داشت. مثلاً جمع پرونده‌های مورد بررسی قتل عمد در دادگاههای مذکور طی سال ۶۸ بالغ بر ۵۲۹۵ مورد

البته موارد قتل غیرعمد بسیار بیش از قتل عمد است. مثلاً جمع پرونده‌های مورد بررسی در دادگاههای مختلف جمهوری اسلامی در خصوص قتل غیرعمد بالغ بر ۲۴۱۰۱ مورد است.

۱۲-۶- اعتیاد: در خصوص تعداد معتادان ایرانی هیچگونه آمار رسمی وجود ندارد. دکتر پرویز پیران در تحقیق خود زیر عنوان «بررسی اعتیاد و باز پروری معتادان» می‌نویسد: «سمینار مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۶۱ تعداد معتادان را یک میلیون نفر تخمین زده و در

سال	شهربانی	ژاندارمری	کمیته	جمع کل
۶۴	۳۷۰۲/۴	۱۱۲۱۲/۰	۱۳۴۸۶/۳	۲۸۴۰۰/۷
۶۵	۱۳۳۰/۷		۲۷۵۱۹/۳	
۶۶	۶۶۰/۳	۱۴۵۳۱/۷	۲۰۰۲۰/۷	۳۵۲۱۲/۷
۶۷	۸۰۸/۹	۷۵۰۸/۷	۳۱۰۶۳/۲	۳۹۳۸۰/۸
۶۸	۹۵۸/۴	۷۸۳۰/۱	۲۲۷۶۶/۳	۳۱۵۵۴/۸
۶۹	۷۰۸/۷	۱۷۶۹/۲	۲۷۳۶۶/۶	۲۹۸۴۴/۵

* سالنامه آماری سال ۱۳۷۰، ص ۲۳۸ و ۲۴۰ و ۲۴۱، آمار مندرج سال ۶۹ مربوط به ۹

ماهه اول سال است

فرمانده نیروهای انتظامی اخیراً طی مصاحبه‌ای اعلام داشت: «در زمینه مبارزه با مواد مخدر در سال ۷۰ نسبت به سال ۶۹ حدود ۱۰ تن افزایش کشفیات انواع مواد مخدر داشته‌ایم. در سال ۷۰ حدود ۴۲ تن و ۱۸۴ کیلوگرم مواد مخدر کشف شده است»
 «در سال ۱۳۷۱ بیش از ۶۵ تن از انواع مواد مخدر کشف شده است»
 (۷۰)

۱۳-۶- طلاق: یکی از مسائل اجتماعی جامعه ما بنیان سست خانواده است. سالانه حدود ۹ درصد ازدواج‌ها منجر به طلاق می‌شود. طی چهارده سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۵/۲۹۹/۱۰۷ مورد ازدواج، ۴۵۷/۹۷۵ مورد طلاق به وقوع پیوسته است. برآگهان پوشیده نیست که مقایسه میزان طلاق در جامعه ما با جوامع غربی عملی

نارواست. چرا که در آن جوامع طلاق عملی ناهنجار تلقی نمی‌گردد تا بتوان میزان خاصی از آنرا «مساله اجتماعی» تلقی کرد (بعنوان نمونه در سوئد ۵ درصد ازدواج رسمی وجود دارد. یعنی در آن جامعه افراد بدون ازدواج تشکیل خانواده داده و بدون طلاق از یکدیگر جدا می‌شوند) در صورتی که طلاق در جامعه ما عملی «ناهنجار» است. از طرف دیگر در آن جوامع یک زن پس از جدایی از شوهر به راحتی می‌تواند با مرد دیگری تشکیل خانواده داده و به زندگی خانوادگی یا فردی خود ادامه دهد. اما در جامعه ما برای زنان طلاق گرفته امکان بسیار کمی برای ازدواج مجدد وجود دارد. و در عرف به این قشر به دیده خوبی نمی‌نگرند. و فشارهای عاطفی روانی بسیاری از طرف جامعه بر آنان وارد می‌شود. از اینرو طلاق در جامعه ما یک مساله اجتماعی است.

سال	ازدواج	طلاق	نسبت طلاق به ازدواج (درصد)
۱۳۵۸	۲۸۴/۶۴۷	۲۱۴۷۰	۷/۵
۱۳۵۹	۳۳۷/۱۱۹	۲۳۹۸۷	۷/۱
۱۳۶۰	۲۹۴/۴۹۹	۲۴۴۲۳	۸/۳
۱۳۶۱	۳۵۳/۹۴۴	۳۱۲۲۱	۸/۸
۱۳۶۲	۴۱۰/۷۹۹	۳۵۸۶۷	۸/۷
۱۳۶۳	۳۸۴/۸۷۶	۳۵۱۷۸	۹/۱
۱۳۶۴	۴۰۸/۲۸۲	۳۸۹۸۳	۹/۵
۱۳۶۵	۳۴۰/۳۴۲	۳۵۲۱۱	۱۰/۳
۱۳۶۶	۳۴۶/۶۵۲	۳۳/۴۳۳	۹/۶
۱۳۶۷	۳۶۱/۹۴۵	۳۳/۱۱۴	۹/۱
۱۳۶۸	۴۵۸/۷۰۸	۳۳/۹۴۳	۷/۴
۱۳۶۹	۴۵۴/۹۶۳	۳۷/۸۲۷	۸/۳
۱۳۷۰	۴۴۸/۸۵۱	۳۹/۳۳۶	۸/۸
۱۳۷۱	۴۱۳/۴۸۰	۳۳/۹۸۲	۸/۲
جمع کل	۵/۲۹۹۱۰۷	۴۵۷/۹۷۵	۸/۶

* منبع: سالنامه آماری کشور، سالهای ۵۸-۷۰

۱۴-۶- ناراحتیهای روانی: عبور از «جامعه سنتی» به «جامعه مدرن» و تحمل شرایط حاد و بحرانی «جامعه در حال گذر» منجر به انواع ناراحتیهای روانی و بیماریهای عصبی می‌شود. تا حدی که این ناراحتیها و بیماریها به عنوان یکی از مسائل اجتماعی جوامع در حال گذر تلقی می‌شود. طبق آمارهای رسمی سالانه مابین دو میلیون و سیصد

موارد مراجعه به مراکز بهداشتی و درمانی وزارت بهداشتی

۷۰	۶۹	۶۸	۶۷	۶۶	۶۵	۶۴	۶۳
۵۵۸۰۰۰	۵۵۷/۰۰۰	۵۳۷۰۰۰	۵۵۳/۰۰۰	۵۳۹/۰۰۰	۵۶۹۰۶۱	۶۲۱/۰۰۰	۵۶۱/۰۰۰
۱/۸۵۰/۰۰۰	۱/۹۰۸/۰۰۰	۱/۸۸۹/۰۰۰	۱/۷۷۰/۰۰۰	۱/۸۹۱/۰۰۰	۱/۸۶۸/۲۴۸	۲/۱۴۶/۰۰۰	۲/۲۷۵/۰۰۰
ناراحتیهای روانی							
بیماریهای دستگاه اعصاب و اعضای حسی							

هزار تا دو میلیون و هشتصد هزار نفر بخاطر اینگونه ناراحتیها به مراکز بهداشتی و درمانی وزارت بهداشتی مراجعه می‌کنند. حال اگر آمار مراجعین به درمانگاهها و مطبهای خصوصی را هم به این موارد اضافه نمایم، «بحران روحی- روانی» جامعه نمایان خواهد شد.

این انتظار بر حق است که علوم تجربی پاسخگوی مشکلات جامعه ما باشند. اما از علومی که محکوم به «ظنی» و «غربی» بودن هستند و عالمان آن محکوم به تأمین کننده منافع غرب و دانشگاههای آن عامل جنایت؛ چه انتظاری می توان داشت.

جناب حجت الاسلام والمسلمین حسن امامی ضمن نقد سخنان دکتر سروش فرموده اند؟

«ویژگی دومی که در بعضی از شما روشنفکران هست اینست که شما با حوزه های علمیه فرقتان اینست که روحانیون هیچ ارتباطی با کشورهای خارجی بحمدالله ندارند و برای گرفتن معارف آنقدر غنی هستند که احتیاجی به اینکه راه پیدا کنند به فرانسه و آمریکا و شوروی و انگلستان و ... و ... ندارند. فرآورده های خودشان را خودشان مصرف می کنند و خودکفا هستند پایشان به کشورهای خارجی باز نیست با ابرقدرتها در ارتباط نیستند ولی این ویژگی را شما آقایان دارید که می روید به کشورهای مختلف و راهتان باز است از آنجا ارتزاق علمی می کنید نان و نمک آنها را می خورید، از آنجا دکتر می گیرید، از دانشگاهها استفاده می کنید، استفاده هم می دهید اینها همه خوب است «سیروا فی الارض» اما یک آفت دارد، آفتش اینست که بعضی از شما یکوقت باید حق این نان و نمکها را ادا کنید. آن وقت باید چه کرد با این آفت.

حال این آفت را باید چه کرد؟ آفت بزرگی است، کم نیست، سرنوشت یک ملت با یک امضاء که پای یک قرارداد استعماری بشود بکجا می رسد؟ آقای روشنفکر شما در این مسیری که می روی قدرت حرکت بیشتر از ما طلبه ها است ما طلبه ها در یک حوزه محدودی هستیم و شما با یک دنیای بزرگ و با قدرتها آنها ابرقدرتها آشنا هستی مواظب باش پایت توی این تله نیفتد. مواظب باشید اسباب دست آنها نشوید. سیاست آنها را پیاده نکنید، تفرقه نیندازید این خواست آنهاست» (۷۱).

آقای قرائتی گفته اند هر جا دانشگاه بیشتر است جنایت هم بیشتر است (۷۲).

طی سالهای ۵۸-۷۲ (۱۵ سال) حدود ۳۰۰ میلیارد دلار هزینه ارزی داشته ایم. این هزینه ها در فضائی «علم زدا» به نتایجی منجر شد که گذشت ساختار نابسامان فرهنگی - سیاسی - اقتصادی کنونی با هزینه کردن میلیاردها دلار دیگر هم، بسامان نخواهد شد. تغییر بیش و درکی جامعه شناسان از دنیای کنونی شرط لازم و اولیه هر تغییری در فرایند موجود است.

۷- عدم وقوف به دنیای جدید و داستان اصحاب کهف:

آقای لاریجانی ضمن نقد سخنرانی «انتظارات دانشگاه از حوزه» فرموده اند:

«مؤمن، در یک جامعه دینی که «ایمان» محور و اساس آن را تشکیل می دهد، نمی تواند نسبت به ترویج و اشاعه «شبهات دینی» بی تفاوت باشد از هیچ مؤمنی هم انتظار نمی رود که هم خود را پراکندن شبهات قرار دهد».

«اما همه سخن درایجاد «شبهات» برای دیگران است. برای کسانی که چه بسا قدرت خروج از این مشکلات و مسائل را ندارند، و لذا «ایمان» خویش را آرام آرام از دست می دهند. همان ایمانی که رشته اتصال او به حق است و نوری است که ولو ضعیف باشد در انتها صاحبش را به حق می رساند و از ظلمت محض رهایی می بخشد. از دست دادن ایمان در واقع و باطن امر، هلاکت است و مسئول این «هلاکت» جز کسی که شبهه پراکنده است کیست؟!

فرض کنیم جوانی با فطرت ساده و پاک خود و براساس برهانی ساده از نظم و غیر آن، یقین به وجود خدا پیدا می کند. و این یقین نوری می شود که دل به حق می سپارد، در نماز خویش واقعاً در نماز است. در ذکر خویش واقعاً به یاد معبود است. در چنین حالی اگر بدون محاسبه قدرت فکری و ذهنی او، ذهنش را به شبهات برهان نظم یا براهین دیگر واجب و یا شبهه شرور و امثال آن مشغول کنیم، واقعاً در احیای او گام برداشته ایم یا امانت او؟ اگر ذهن او بتواند از این مهلکه برهد، و در نتیجه یقین خود را از دست دهد، و ایمان بی آرایش خویش را ببازد، چه کسی مقصر است؟

از همینجاست که اکثر فیلسوفان و اساتید فلسفه اسلامی، خواندن فلسفه را برای همه تجویز نمی کردند چون معتقد بوده اند که یافتن مسائل فلسفی و هضم آنها برای بسیاری آسان نیست و چون خود مؤمن و معتقد بوده اند تعهد دینی شان توصیه می کرد که افراد غیر مستعد را از خواندن فلسفه بازدارند. شبهه این امر در سیر و سلوک هم مطرح است و هر کسی را استعداد این امور نیست. و لذا چه بسا ورودشان در این وادی، همان ایمان غیر تاملشان را هم تحلیل برد و از آن نیز محروم شوند.

«مشکل این است که پرسشها بسیاری اوقات به «ایمان» یک معتقد زیان می رسانند، و در این صورت هیچ دلیلی وجود ندارد که «ترویج این پرسشها» را ارزشمند بدانیم، بلکه باید در این حال، آنها را خطری بدانیم که «حیات واقعی» او را تهدید می کند. شاید بهترین راه حل برای این مشکل همان راه حلی باشد که فیلسوفان متعهد ما و کلامیین متدین انتخاب کرده اند که طرح شبهات و مسائل سنگین فلسفی و کلامی را به محیط های تخصصی و فنی منحصر سازند و از پراکندن آن در مجامع عمومی و در میان توده های مردم اجتناب

ورزند. و اصلاً پراکندن این گونه شبهات در مجامعی که به طور طبیعی نمی‌توانند پاسخهای متناسب و دقیق برای شبهات بیابند، حتی از دید معرفتی چه فایده‌ای دارد؟ سؤال آن گاه موجب حرکت حیات علم است که در محیط مناسب خودش مطرح شود؛ محیطی که با فراهم آوردن مقدمات نظری یک بحث علمی، افراد را آماده پرسشهای متناسب کند و حتی در مرتبه سابق‌تر، مہیای فهم صحیح مسأله کند (۷۳).

خواندن نوشتار آقای لاریجانی مرا به یاد «اصحاب کهف» انداخت. و برآستی دریافتم که آقای لاریجانی، حداقل، در زمان صفویه بخواب رفته‌اند و امروز از خواب برخاسته‌اند. و گمان می‌برند که در «جهان سنتی» گذشته، با همه ویژگی‌هایش، بسر می‌برند. و نمی‌دانند که انسان جدید به مدد «علوم تجربی» پای بدنای جدیدی گذارده است که کاملاً با جهان گذشتگان تفاوت دارد. نه سکه رایج امروز سکه گذشتگان است و نه ساختار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی امروزیان با گذشتگان قرابتی دارد. علوم تجربی ضمن خلق دنیای جدید، به تعبیر ماکس وبر، از جهان اسطوره زدایی کرده و بیا می‌آموزند که در این دنیا نه رازی وجود دارد و نه نامحرمی که نتوان آن راز را با وی در میان نهاد. در چنین بستری نظام‌های آموزشی عمومی و اجباری متولد شد و بدنال آن رسانه‌های جمعی بوجود آمدند تا بگویند همه چیز را می‌توان با همه کس در میان نهاد. اینکه ممکن است هاضمه‌ای یافت شود که شبهه‌ای یا مسئله‌ای را برنتابد و به اضطراب بیفتد و زیان ببیند، امروز مقبول دنیای جدید و انسان جدید نیست. بشر جدید هیچگونه مسئله مخفی کردنی را نمی‌پذیرد و معتقد است که همه چیز را باید باز و آشکار در اختیار همگان قرار داد. جهان جدید جهان اسرار آمیزی نیست لذا هیچ کس را نباید نامحرم پنداشت اما جهان سنتی گذشتگان برآستی بگونه دیگری بود. در چنان عهدی سعدی می‌گفت:

مشکن دلم که حقه راز نهان توست / ترسم که راز درکف نامحرم اوفتد و حافظ هم ضمن ترسیم وضع دنیای سنتی گذشته می‌گفت:

گفت آن یار کز وگشت سردار بلند / جرمش این بود که اسرار هویدامی‌کرد
نظام آموزشی بسیار محدود گذشته بگونه‌ای بود که استاد شاگردان خود را انتخاب می‌کرد و پس از آن ضمن گزینش از معلومات خود بعضی از آنها را بدانان می‌آموخت. افرادی چون سهروردی، بوعلی سینا و ملاصدرا به غیر از کلاسهای عمومی سخنانی داشتند که فقط با نمی‌بایست هر سخنی را با نامحرم و نااهلان در میان گذارد. لذا برای گذشتگان آموزش عمومی و اجباری اصلاً معنا نداشت.

اما نظام جدید دقیقاً در تقابل با نظام قدیم ضمن اسطوره زدائی از عالم، انکار وجود راز و نامحرم، زایل شدن ترس از نامحرم؛ این نکته را به صورت یک امر مسلم در آورده‌است که همگان حق دارند تا از همه چیز با خبر شوند. هیچ حریم ممنوعه‌ای در دانش و معرفت وجود

ندارد و این حق طبیعی انسانهاست که در «قدرت سیاسی» و «قدرت اقتصادی» مشارکت داشته باشند.

به وضع ایران امروز بنگرید و بدانید که امروز حدود ۱۸ میلیون دانش آموزش در نظام آموزش و پرورش مشغول تحصیل هستند. در حدود پانصد هزار دانشجو در سطوح مختلف در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور به کسب علم می‌پردازند. و در همین حدود هم در دانشگاه آزاد اسلامی آموزش می‌بینند.

امروز در دانشگاهها مسائلی تدریس می‌گردد که به یک معنا با فهم رایج از دین (معرفت دینی) تقابل و تعارض دارد. دانشجوی رشته جامعه شناسی طی درس «جامعه شناسی معرفت» به ارتباط و وابستگی معرفت با واقعیت خارجی (اقتصادی، اجتماعی و ...) وقوف می‌یابد و طی درس «جامعه شناسی دین» با آراء جامعه‌شناسان درباره پیدایش دین و رفتارهای مذهبی آشنا می‌شود.

دانشجوی رشته روان‌شناسی آراء فروید، یونگ، فروم و دیگر روان‌شناسان درباره دین را می‌آموزد. و ضمن درس روان‌شناسی اجتماعی در می‌یابد که ادراکات و هنجارها نسبی‌اند.

دانشجوی رشته مردم‌شناسی آراء مردم‌شناسان درباره جوامع ابتدائی و بدوی و چگونگی نیاز انسان بدوی به دین و تأسیس دین را می‌آموزد. به دانشجوی رشته فلسفه و کلام آراء هیوم، کانت، مارکس، فویر باخ، هگل، فرید و ... درباره دین و اخلاق آموخته می‌شود.

به دانشجوی اقتصاد می‌آموزند که اقتصاد علمی است که رفتارهای اقتصادی را به قالب قانون‌های آزمون پذیر می‌ریزد و ربطی به ایدئولوژی ندارد.

هر یک از رشته‌های تحصیلی مسائلی را می‌آموزانند که با معرفت دینی رایج تعارض دارد و در ذهن دانشجویان نسبت به معرفت دینی سوال و شبهه ایجاد می‌کنند. کل نظام ارتباطی کنونی در اثر انقلاب ارتباطات جهان را به یک دهکده کوچک بدل کرده‌اند که در آن همه از همه چیز هم خبر دارند. نظامی که دیگر برگشت ناپذیر شده‌است و هیچ کس حتی نمی‌تواند تصور بازگشت به جهان سنتی را در ذهن مجسم سازد. چه رسد به اینکه بخواهد در واقع با علم و تکنولوژی مخلوق آن، به مبارزه برخیزد. داستان ویدئو را همه به خاطر داریم. ۱۴ سال است که ویدئو در این مرز و بوم ممنوع است و داشتن و خرید و فروش آن هم جرم است. نیروهای انتظامی و قضایی مبارز و گسترده‌ای را بر علیه این وسیله آغاز کردند. اما در عمل هیچ نتیجه‌ای عاید نشد. بگونه‌ای که گفته می‌شود حدود ۳ میلیون دستگاه ویدئو در منازل وجود دارد. وزارت ارشاد کنترل شدیدی را بر فیلم‌های ایرانی آغاز کرده‌است اما خود بهتر می‌دانند که در چه طیف وسیعی در منازل فیلم‌های مستهجن و پرنوگرافی رواج دارد. اینک مسئولین همین وزارتخانه در اثر اجبارهای عملی تصمیم گرفته‌اند که از سال جاری ویدئو را آزاد نمایند.

تمامی شهرهای مرزی براحتی از تلویزیون کشورهای همسایه استفاده کرده و فیلم‌های خلاف شرع را بدون کوچکترین دغدغه‌ای می‌نگرند. و فردا که ماهواره‌ها وارد منازل تمامی مسلمانان و شیعیان شد با چه وسیله‌ای می‌توان جلوی تماشای آنان را گرفت. ولعی را که در اثر سیاست‌های غلط ایجاد کرده‌ایم نمی‌توان با از بین بردن دستگاه تلویزیون از بین برد.

آقای لاریجانی از دکتر سروش خواسته‌اند که مباحث تخصصی را در مجامع علمی مطرح سازند. و گفته‌اند که حق این است که امروزه افرادی که اطلاع دقیقی از معضلات فلسفی و عرفانی داشته باشند محدودند. از ایشان می‌پرسیم چه کسی برخلاف حکم کلی ایشان عمل کرده است؟ دکتر سروش یا خود شما؟ تئوری تحول معرفت دینی بحثی تخصصی است یا غیرتخصصی؟ برهان فرد با لذات و پارادوکس تأیید چطور؟ این مباحث را باید در کجا مطرح ساخت؟

همه بدین امر وقوف دارند که دکتر سروش این مباحث را در نشریه‌ای (کیهان فرهنگی سابق و کیان فعلی) مطرح ساخته است که تنها مجله‌ای است که بدور از جارو و جنجال در این مرز و بوم طرح اندیشه‌های نو درباره معرفت دینی پرداخته است. اما جنابعالی مباحث را در روزنامه‌ای مطرح ساخته‌اید که سمبل «خرد ستیزی» است. آنهم با استعانت از «عاطفه» و «زر»؟! کسانی که تمامی هم خود را مصروف پرستش قدرت و دستیابی آزمندانه به قدرت ساخته و از ارعاب و تهدید عقلای قوم واهمه‌ای بخود راه نمی‌دهند.

۸- مجاز نبودن حکومت به دخالت در امور معرفتی:

*در اول تمامی رساله‌های علمیه آمده است که اصول عقاید تحقیقی و فروع دین (برای غیرمجتهد) تقلیدی است. اما امروزه سنت رایج و غالب این است که هرچند در تئوری این حکم کلی مقبول همگان است اما در عمل درست برخلاف آن عمل می‌شود. و در حیطه هائی دخالت می‌شود و خواهان تسلیم و تقلیدند که ربطی به فروع دین ندارند. مثلاً از همگان خواسته می‌شود که در تبیین و تحلیل تاریخ گذشته و تاریخ انقلاب یک نوع واحد بیندیشند و فهم کنند. وقتی «بازیگران» حوادث تاریخی نتوانسته‌اند در خصوص یک پدیده واحد اشتراک نظر و عمل داشته باشند؛ چگونه ما از «تماشاگرانی» که امروز بدان پدیده‌ها می‌نگرند خواهان اتفاق نظریم. مورخان می‌بایست تاریخ را آنگونه که می‌فهمند بنویسند نه آنگونه که حکومت‌ها می‌خواهند و منافع‌شان اقتضا دارد.

در طول تاریخ اسلام درباره این مسئله که «عدل» صفت ذات حضرت حق است یا صفت فعل ما بین فیلسوفان و متکلمان اختلاف رفته است. حال در نظر بگیرید که حکومت بخواد در این مسئله برفع یکی

از طرفین نزاع دخالت کند. آنگاه چه پیش خواهد آمد.

شرعی یا عقلی بودن «حسن و قبح، مختار یا مجبور بودن انسان، روا یا ناروا بودن روش‌های، عقلی در الهیات و ... از دیگر مسائلی هستند که در آن اختلاف افتاده است.

امروز هم در جامعه ما مسائل عدیده‌ای وجود دارد که محل نزاعند (معنای کمال دین، تفسیر اکثری یا اقلی از دین، انتظارات ما از دین، تحول معرفت دینی، آزمون پذیری یا آزمون ناپذیری معرفت دینی، تصور توتالیتار یا لیبرال از فلسفه سیاسی اسلام، رابطه فرهنگ دینی و ملی و غربی، براهین اثبات صانع، آزادی و ... و باید در یک محیط آزاد به بحث و تبادل و تضارب افکار درباره آنها پرداخته شود. و هیچکس هم مجاز نیست که در این امور تقلید کند و یا دیگران را مجبور سازد که یک برداشت خاص از این مقوله‌ها را برگزینند. چه رسد به بعضی از نهادهای رسمی حکومتی. وقتی مراجع تقلید خود را مجاز ندانند که در این امور دخالت کنند چگونه بعضی از مسئولین اجرایی که هیچگونه تخصصی در این امور ندارند، از مردم می‌خواهند که در این امور بگونه خاصی بیندیشند.

۱- آقای غرویان- سلام ۵ بهمن ۱۳۷۱ ص ۶

۲- دکتر سروش انتظارات دانشگاه از حوزه، سلام ۱۶ دی ۱۳۷۱ ص ۸

۳- مرتضی مطهری، مجموعه آثار جلد ۱، علل گرایش به مادیگری، انتشارات صدرا، ص ۴۸۷-۴۸۸

۴- پیشین ص ۴۹۱

۵ و ۶- پیشین ص ۵۶۲

۷- مرتضی مطهری، مجموعه آثار جلد ۳، خورشید دین هرگونه غروب نمی‌کند، انتشارات صدرا، ص ۴۰۵

۸- مجموعه آثار جلد، ص ۵۵۸ و ۵۵۹

۹- پیشین ص ۵۷۹ و ۵۷۸

۱۰- پیشین ص ۵۷۸ و ۵۷۷

۱۱- مجموعه آثار جلد ۳، ص ۴۰۵

۱۲- مرتضی مطهری، ده گفتار، انتشارات صدرا، ص ۱۳۱

۱۳- پیشین ص ۱۳۲

۱۴- پیشین ص ۱۴۴-۱۴۳

۱۵- پیشین ص ۱۴۳

۱۶- پیشین ص ۱۴۴

۱۷- پیشین ص ۱۵۳

۱۸- مرتضی مطهری بیست گفتار، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۱۷۸

۱۹- محمدتقی مصباح یزدی، آموزش فلسفه، اول، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۱۹

۲۰- پیشین ص ۷۷

۲۱- پیشین ص ۱۱۲

۲۲- پیشین ص ۱۰۳

۲۳- پیشین ص ۹۷-۹۶

۲۴- پیشین ص ۱۰۲

۲۵- محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، سازمان تبلیغات اسلامی
ص ۳۷۱ و ۳۷۰

۲۶- ربیعون آرون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، سازمان
انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ص ۵۸۶

۲۷- پیشین ص ۵۸۰
۲۸- دکتر محمود سریع‌القلم، مبانی عقلی توسعه، فرهنگ و توسعه، شماره ۳، آذر و
دی ۷۱، ص ۱۲

۲۹- دکتر حسین بشریه، نامه فرهنگ ۶ و ۵ پائیز-زمستان ۷۰، ص ۷
۳۰- پیشین ص ۸

۳۱- دکتر سیدجواد طباطبائی، توسعه، فرایند تجدد، فرهنگ و توسعه، شماره ۳، آذر
و دی ۷۱، ص ۳۸

۳۲- دکتر توکل، نامه فرهنگ ۶ و ۵، پائیز-زمستان ۷۰، ص ۶۱
۳۳- دکتر حسین عظیمی، نامه فرهنگ ۶ و ۵، پائیز-زمستان ۷۰، ص ۲۰

۳۴- دکتر فخرالدین عظیمی، زمینه‌های فکری و تحقق تاریخی فرهنگ و جامعه مدرن،
نگاه نوشماره ۹، مرداد-شهریور ۷۱، ص ۱۷

۳۵- پیشین ص ۳۲ و ۳۱
۳۶- پیشین ص ۱۳

۳۷- دکتر عبدالکریم سروش، نامه فرهنگ شماره ۶ و ۵، پائیز-زمستان ۷۰، ص ۱۹
۳۸- پیشین ص ۲۶

۳۹- محمدتقی مصباح یزدی، کارنامه دفتر همکاری حوزه و دانشگاه از تیر ماه تا
اسفند ماه ۱۳۶۱، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص ۱۵

۴۰- پیشین ص ۱۷ و ۱۶
۴۱- پیشین ص ۲۲

۴۲- محمدتقی مصباح یزدی، علوم انسانی اسلام و انقلاب فرهنگی، جهاد دانشگاهی،
ص ۱۶۳

۴۳- پیشین ص ۱۶۳ و ۱۶۴

به نظرات آقای مصباح در خصوص ظنی دانستن علوم تجربی و عواقب و لوازم آن در
اینجا کاری نداریم چرا که به مباحث «فلسفه علم» متعلق است. اما در خصوص نظر
ایشان درباره «تعارض علم و دین» که امکان وقوع ندارد و در صورت وقوع به دلیل
اینکه امر دایر است بین امر قطعی (دین) و امر ظنی (علوم تجربی) پس می‌بایست علم را
رد کرد؛ باید گفت که اولاً تاریخ علم و دین گواهی می‌دهد که چنین تعارضی بدفعات
مختلف روی داده‌است و یکی از نتایج این تعارض ظهور آراء نوین دین‌شناسانه و علم
شناسانه است. مگر آقای مصباح بخاطر حل همین مشکل نیست که علوم تجربی را ظنی
دانسته‌اند.

ثانیاً اینطور نبوده‌است که مؤمنان در صورت وقوع تعارض به نفی علم بپردازند.
بلکه به نفعاً مجبور شده‌اند معرفت دینی خود را بگونه‌ای تجدید سامان کنند که به حل
تعارض نائل شوند. مرحوم مطهری یکی از همین افراد است، بعنوان نمونه بنگرید که
مرحوم مطهری تعارض تئوری برآمدن داروین، که با ظاهر آیات قرآن مجید تعارض
دارد، را چگونه حل می‌کند. ایشان چندین راه برای حل این تعارض ارائه کرده‌اند. که
یکی از آنها به شرح زیر است «ما اگر مخصوصاً قرآن کریم را ملاک قرار دهیم می‌بینیم
قرآن داستان آدم را به صورت باصطلاح سمبولیک طرح کرده‌است. منظور این نیست
که آدم که در قرآن آمده نام شخص نیست چون «سمبل» نوع انسان است. ایداً، قطعاً آدم
اول یک فرد و یک شخص است و وجود عینی داشته‌است. منظور اینست که قرآن

داستان آدم را از نظر سکونت در بهشت، اغوای شیطان، طمع، حسد، رانده شدن از
بهشت، توبه و ... به صورت سمبولیک طرح کرده‌است. نتیجه‌ای که قرآن از این داستان
میگیرد از نظر خلقت حیرت انگیز آدم نیست و دریاب خداشناسی از این داستان
هیچگونه نتیجه‌گیری نمی‌کند. بلکه قرآن تنها از نظر مقام معنوی انسان و از نظر یک
سلسله مسائل اخلاقی داستان آدم را طرح می‌کند. برای یک نفر معتقد به خدا و قرآن کاملاً
ممکن است که ایمان خود را به خدا و قرآن حفظ کند و در عین حال داستان کیفیت
خلقت آدم را به نحوی توجیه کند. امروز ما افرادی با ایمان و معتقد به خدا و رسول و
قرآن را سراغ داریم که داستان خلقت آدم را در قرآن به نحوی تفسیر و توجیه می‌کنند
که با علوم امروزی منطبق است. احدی ادعا نکرده‌است که آن نظریه‌ها برخلاف ایمان
به قرآن است. ما خودمان وقتی آن نظریه‌ها را در کتابهای مربوط به این موضوع مطالعه
می‌کنیم در آنها نکات قابل توجه و تأمل زیادی می‌بینیم هر چند صد در صد قانع
نشده‌ایم» (علل گرایش به مادیگری، ص ۷۱).

۴۴- پیشین ص ۱۶۸
۴۵- محی‌الدین حائری شیرازی، بحثی درباره جامعه‌شناسی اسلامی، انتشارات

دانشگاه شیراز، ص ۲
۴۶- پیشین ص ۳۸
۴۷- پیشین ص ۳۱
۴۸- پیشین ص ۳۳

۴۹- پیشین ص ۳۵
۵۰- پیشین ص ۴۸
۵۱- پیشین ص ۴۴
۵۲- پیشین ص ۴۹

۵۳- صادق لاریجانی، معرفت دینی، مرکز ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۱۸
۵۴- پیشین ص ۱۱۶، ۵۵- پیشین ص ۱۱۸، ۵۶- پیشین ص ۱۱۷
۵۷- وزیر جهاد سازندگی، روزنامه اطلاعات، ۷۱/۱/۲۲، ص ۱۰

۵۸- به عنوان نمونه تولید ناخالص سرانه در سال ۱۳۶۷ در حدود ۵۵/۵ هزار ریال
تخمین زده شده که حدوداً معادل مقدار همین متغیر در سال ۱۳۴۶ است. یعنی، تولید
ناخالص داخلی سرانه کشور در سال ۱۳۶۷ معادل مقدار همین متغیر در ۲۱ سال پیش
است.

۵۹- روزنامه رسالت، ۷۲/۳/۱۰، ص ۱۹ به نقل از گزارش اداره آمارهای بانک
مرکزی

۶۰- آمار مربوط به رشد نقدینگی طی برنامه برای سالهای ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ به ترتیب
۱۰/۸، ۱۱/۷ و ۹/۲ پیش بینی شده بود ولی عملکرد دولت منجر به رشد نقدینگی
۱۹/۵، ۲۲/۵ و ۲۴/۵ برای سالهای مزبور شده‌است (سلام ۲۷ آبان ۱۳۷۱).

۶۱- دکتر محسن نوربخش، روزنامه کیهان، سه شنبه ۲۷ بهمن ۱۳۷۱ ص ۳
۶۲- دکتر حبیب‌الله زنجانی- جمعیت و توسعه، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و
معماری ایران، ص ۲۹

۶۳- سالنامه آماری کشور ۱۳۶۹، مرکز آمار ایران ص ۷۵
۶۴- پیشین ص ۸۰

۶۵- سالنامه آماری سال ۱۳۶۵ و ۱۳۶۹، فصل ۸، امور قضایی
۶۶- دکتر حسین عظیمی، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، نشر نی، ص ۹۲

۶۷- پرویز پیران- بررسی اعتیاد و بازپروری معتادان، تهران ۱۳۶۸، سازمان بهزیستی
کشور، ص ۴۵
۶۸- پیشین ص ۴۵

۶۹- روزنامه اطلاعات، سه شنبه ۱۱ اسفند ۱۳۷۱ ص ۲
۷۰- روزنامه رسالت، شنبه ۷۲/۳/۱، ص ۱۵

۷۱- حجة الاسلام والمسلمین حسن امامی، عقلان را در خدمت مبارزه با وحی به کار
گیرید، روزنامه رسالت، ۷۱/۱۱/۲۹، ص ۴
۷۲- سلام ۷۱/۸/۲۱

۷۳- صادق لاریجانی، قبض و بسط در قبض و بسطی دیگر، کیهان، ۷۱/۱۲/۱۰، ص ۶
۱۹۱ جهان اسلام